



۲۰۱۶/۰۸/۰۷



مصطفی «عمرزی»

ناقضان اتحاد و همدلی، آزرده اند؟!

با گسترش نوع چند بُعدی وسایل ارتباط جمعی (نت) شاهد موج تازه ای از هتاکي ها، افتراء، توهين، ترویج فرهنگ ابتذال و اتهاماتی شدیم که اگر از سویی نمایانگر ستیز خصمانه ی دشمنان این ملت بود، از سوی دیگر متن و محتویات فرهنگ هایی را معرفی می کردند که از تقدس احترام کورکورانه، هرگز در پی نقد و اصلاح آن ها نیافتادیم. بگذریم از این که آرشیف های 14 سال عداوت با افغانستان و ملت افغان، آن قدر اسناد و مدرک دارند که هر از گاهی در هر محاکمه ای که باشد، از وجدان تا حضور خدا، کسانی را شرمنده خواهد ساخت که برای هر نوع کردار زشت، توجیه ساختند.

هتاکي ها و بی شرمی ها در برابر پشتون ها، بخش بزرگی از همان رویکرد نو بود که در هرج و مرج داخلی، در سیاست زده گی فضای کنونی، آن طرف هایی را خورد و دون کردند که در 40 سال اخیر افغانستان، هیچ دستاویزی ندارند تا ثابت کنند ارزش آن ها، چیزی بیشتر از آن است که با خیانت، تاراج، جنایت و ویرانی مملکت، ارمغان چند دهه بی حضور غیر پشتونی احزاب اقوام دیگر می شود.

سنگینی فشار ناشی از قضاوت مردم بر این که حاصل تبارز اجتماعی- حزبی اقلیت ها، یک تاوان محض بود، فرزندان بحران را که از این طریق به جا و مکانی رسیده اند، در موضعی قرار داده است تا با تعمیم هتاکي، فرهنگ ابتذال و مدعا برای آن چه هرگز نبوده است (ستم ملی) اذهان ملت را مصروف نگه دارند- چنانچه از گذشته ی تاریخی، تمدنی و فرهنگی معاصر چیزی نیابند، با انبوه آن چه به ویژه به آدرس پشتون های افغانستان، صادر می کنند، مشغله ی دایمی مردم ما این باشد که در عوض نقد عوامل بحران چهار دهه ی اخیر، دزدان، شپشیان، قاتلان و ویران کننده گان مزدور، سرشان به کارنامه های کسانی گرم شود که اگر وجدان خویش را به تمامی نیز عاری کنیم، در نوبت های سلطنت و امارت خود، آن قدر دوسیه های عمرانی، فرهنگی، مدنی و آزادی دارند که «عاقلان، پی نکته نروند».

توجه غیر عادی بر وفرت نقد که در ظاهر چنین است، اما انواع بدترین هتاکي هایی را به نمایش گذاشت که اگر گوهر به اصطلاح پارسی را در نظر آوریم، سخنان آن اسلام ستیز متعصب (صادق هدایت) در وصف آن، مشهور می شود: ... زبان فارسی، اگر هیچ نداشته باشد، فحش آبدار زیاد دارد. ما که سر این ثروت عظیم نشستیم، چرا ولخرچی نکنیم.»

این ثروت عظیم، در کارنامه ی 14 سال اخیر ناقضان اتحاد و همدلی مردم ما، آن قدر پُر رنگ و متنوع است که در حد یک شاهنامه ی دیگر، وصف حال ابتذال خواهد کرد.

نیاز های اقتصادی، وضعیت شکننده، آسیب های ناشی از دوسیه های ننگین احزاب سیاسی چند دهه ی گذشته و این که باید شیرازه ی مملکت از نو باید، صبر و حوصله ی مردم و تبار ما را بیشتر می کردند تا در بر ابر آن چه مخالفان از دون بودن و حقارت خویش به نمایش می گذارند ببینند، اما دم نزنند. با صرف تایپ کلمه ی «پشتون» در نت، به آسانی به هزاران نوع نمایش آن فراریان از وجدان و اخلاقی می رسید که از سردمداران فرهنگ اصیل و انواع آن فوقیتی استند که پس از تعمیم نقد نو، از کارکرد سیاسی چهل سال آنان نیز به خوبی هویدا می شود.

در طول چهارده سال تعمیم فرهنگ ابتذال از سوی مخالفان افغانستان و افغانان، کس و کسانی از به اصطلاح آن پروفیسوران و کله گنده های آریایی، خراسانی و پارسی نماند که متوجه و هشدار نداده باشیم: اگر در این جغرافیای اقتدار پشتون ها، کسی را یارای اغماض حتی بر یک غیر پشتون نیست، شما با گرایش به فرهنگ سخیف هتک حرمت، چیزی از پشتون ها، کاسته نمی توانید. مردمی که تاکنون نیز بار مصایب پس از هفت ثور را تحمل می کنند، از آن آسیب هایی سر به در کردند که در تداعی تاریخ، ملت ها و کشور ها را نیست می کنند. این پیکره، بی سر است، اما جسد نیست.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني دليکنيزي بڼي پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

وحدت قومی بزرگ ترین واقعیت افغانستان (پشتون ها) در حالی که بر هراس رسته ها، اصناف و طبقات احزاب اقلیت های مطرح می افزایند، سوژه ی معمول مخالفان است که از اتحاد این قوم، خواب ندارند. اگر این پیکره ی بی سر، این کشور را در این حال، رهبری می کند، بر آنان حق می دهیم در فردایی که «با سر» شد، بدون شک هیچ کسی مجوز نخواهد یافت آرامش هستی و تاریخی این ملت را فدای تکداری کند که از خاک و گردش، چشمان مردم ما برای یافت حقیقت خاینان و کسانی که دوسیه ی ننگین ترین تاریخ بدبختی دارند (حاکمیت چهارساله ی ملا ربانی) در تشخیص خوب و بد، دچار ضیاع وقت باشند.

مختصر، عرض ما برای سفارش کله کته های مخالف در جهت منع ترویج فرهنگ ابتذال به جایی نرسید و گویی پنداشته بودند در جای حساس زده اند، بنابر این از هیچ تشویق، تحریص و ترغیب طیف جوان «درکار نت»، ابا نکرند.

و اما 14 سال پس از شناخت آن فرهنگ های اصیل؟؟؟ اکنون که نگرش نقد، مدعا را در کرسی محاکمه نشانده است، وارثان فرهنگ های ادعایی، دم از تطهیر و طهارت می زنند و در نوع دیگر ادعا، آن رخ فرهنگ شان تداعی می شود که گویا چیز های خوب دارند و باید در حساسیت روزگار، مشمول حال ملت شود.

ژست های پاکیزه گی با ادعای دیگری توأم شده است که آن چه در انواع ادبیات هتاکی ارایه کرده اند، فراموش ما شود و از این مدرک، شاهد مقال نو خواهیم شد که عبارت است از: در فرهنگ ادعایی، فرار از اخلاق، وجود ندارد. این که آن زمستان گذشت و رو سیاهی اش به «آرشیف ها» و نشرات آنان می ماند، می دانیم، اما جریانی که در واکنش به آن، روشنگری می کند به زودی به جایی می رسد که باید برای تعریف خوب و بد آن مدعای فوقانی، بایسته بود خیلی پیش از این، آغاز می کردیم.

رهروان فرهنگ هتاکی و میان تهی، هرگز نخواستند توجه کنند که اگر در زمانی که واکنش طرف تعهدی شما، رویکرد نقد شود، در منگنه ای می غلتید که تا رفع سالیان و افراد شوم، هرگز اجازه نمی دهد تبارز دست اندرکاران تجربه ی تلخ، نیاز ما برای حضور اجتماعی و سیاسی آنان شود. در واقع کسانی که شعوری از تعمیم فرهنگ ابتذال، حمایت کردند، تقاص آن را در زمانی می پردازند که امواج خانمان برانداز ضد خاینان، نقد شده است تا نه تنها دمار از روزگار اهل خیانت برآورد، بل در پی آن واکاوی ست که چه گونه گی هژمونی فرهنگی ادعایی ستمی گری را رسوا می کند.

برای تامین نیاز های ایمنی و اقتصادی ملت، تحمل کردیم و سفارش می کردیم که بر مامولی مشغله نسازند که اگر در فردای آن، معامله ی به مثل شد، کسانی بازنده اند که ادعای «بالایی» آنان، چند ورق پاره، ضمیمه ی مثنوی هفتاد من کاغذ جعلیات تاریخی است و حضور اجتماعی- سیاسی آنان از آن 9 ماه مشهور، در چهار سال ننگین و این چهارده سالی که گذشت، هزاران سند مصور، ویدیو و اسواتی دارد که تفهیم می کنند کسانی از نقد، متضرر خواهند شد که سردیگران را با توهین و اتهام به غیر قوم، گرم کرده بودند.

اینان که از شروح جعلیات و افسانه، پشتوانه ساخته اند، و الگوی های شخصیتی و سیاسی آنان، چند پهلوان پنبه ی خیالی و مجموعه ای از چند قوماندان کمینچی نیست تا ثابت کنند خشتی را نیز برای استواری عمران این سرزمین گذاشته باشند و آن رهبران ماسک دار آنان که از ادعای جهادی تا تیکه داری قومی، یکی پی دیگر به جهنم وصل می شوند، بهتر است ترک اعتیاد نقد کنند.

خوب است در مسیری می رویم که با وضاحت بر کارنامه ی ننگین فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مخالفان این سرزمین، به جایی خواهیم رسید که زمینه ای پاک از جانین و خاینان خواهد بود.

ناقضان اتحاد و همدلی، آزرده نباشند. عکس العمل ما، از اخلاق، فرار نمی کند و اما هرگز گریبان کسانی را رها نخواهیم کرد که توهین کردند، تهمت بستند، دزدیدند، سرزمین را ویران کردند و اما با آن بهای ارزان وجود خویش، می خورند، انحصار می کنند، افتخارات نوین آنان وابسته گيست، اما با این صورت کریه، نمی پذیرند که آن چه در آن، شان یافته اند، گذشته دارد، حال است و آینده می شود.